

مجله‌ی مطالعات ایرانی
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ششم، شماره‌ی دوازدهم، پاییز ۱۳۸۶

نخستین شیعیان در ایران*

دکتر رضا فرشچیان
استاد یار دانشگاه شهید باهنر

چکیده

ایران در سال‌های پایانی سده نخست هجری شاهد حضور خاندانی شیعی در خود بود، این مهاجران که به اشعریون نامبردار بودند، مناطق مرکزی ایران را مأمّن خویش ساخته و قم را بنیاد نهادند و آن شهر را مرکزی برای نشر دانش و علم اهل بیت قرار دادند، اشعریان جز این، دو خدمت اساسی دیگر به تشیع نمودند، نخست مبارزه با آنان که به ضوابط نقل حدیث پایبند نبوده و دیگری برخورد شدید با غالیان.

واژگان کلیدی

اشعریان، ایران، تشیع، غلو، قم.

۱- مقدمه

تشیع ایرانیان از جمله مباحثی است که رویکرد‌های متفاوتی نسبت به آن صورت گرفته است، برخی تشیع را پدیده‌ای فارسی که نشأت گرفته از فکر

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۱۱/۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۹/۱۴
نشانی پست الکترونیک نویسنده: farshchian@mail.uk.ac.ir

ایرانی است، دانسته اند^(۱) و دیگرانی تشیع ایرانیان را تنها مدیون حکومت شیعی صفویه (۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق) می‌دانند، نگارنده در تلاش است تا نشان دهد که سکونت شیعیان و انتشار تشیع در ایران از رهگذر مهاجرت گروهی از شیعیان اشعری ساکن در عراق رقم خورده است، ماجرای که آغاز آن به قرن نخست هجری باز می‌گردد، تا به زدودن اتهاماتی که برخی مخالفان شیعه^(۲) به ایرانیان وارد می‌سازند، کمک کند.

۲- آشنایی با اشعریان

اشعریان در تاریخ شیعه به عنوان خاندانی عظیم و مقتدر که سهمی به سزا در ترویج معارف اهل بیت (ع) داشته اند، شناخته می‌شوند، تاریخ این خاندان در اصل یمنی به پیش از ظهور اسلام بر می‌گردد (ابن ماکولا، ۱۹۶۲م: ۸۷/۱؛ السیوطی، بی تا: ۱۶) اینان پس از اسلام آوردن به سال هفت هجری در خدمت پیامبر اکرم (ص) بوده و مشمول عنایات آن بزرگوار قرار گرفتند. (زینی دحلان، بی تا: ۴/۴۶۵) اشعریان در آغازین سال‌های قرن نخست هجری به خاطر شرکت در فتوحات به عراق به مهاجرت کردند و احتمالاً نخستین فرد از آنان "مالک بن عامر اشعری" جد اعلای اشعریان قم می‌باشد (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۷؛ ابن سعد، ۱۹۸۵م: ۴/۱۰۶) خاندان وی و نیز فرزندان پسر عمویش "ابوموسی" در عراق و به خصوص کوفه باقی ماندند و در مصدر برخی از امور بوده اند. (ابن حزم، بی تا: ۳۷۴؛ الطبری، ۱۹۸۳م: ۴/۴۹۰).

سائب و سعد فرزندان مالک، از اشراف عراق و بزرگان کوفه به شمار می‌آمدند، برخی رخدادهای تاریخی نشان می‌دهد که این شاخه از خاندان اشعری از شیعیان علی (ع) به شمار می‌رفته اند، سائب در برابر ابن مُطِیع، حاکم کوفه به سال ۶۵ق، به دفاع از سنت علی (ع) می‌پردازد (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۸۵؛ الطبری، ۱۹۸۳م: ۴/۴۹۰) و از فرماندهان مختار و جانشین وی در کوفه بوده است (ابن حزم، بی تا: ۳۷۴؛ دینوری، ۱۳۶۶ش: ۳۵۱؛ قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۹۰-۲۸۴، ۲۵۷) درباره‌ی سعد می‌دانیم که "از وجوه و اشراف کوفه است و خداوند جاه و مرتبه و پایگاه بلند" (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۹۱-۲۹۰) او همان است که شهادت به شراب خواری و ولید، حاکم کوفه داد، نوادگان وی از وجوه شیعه به شمار می‌آمدند و از

افتخار های اشعریان ، اختصاص فرزندان مالک بن عامر به مکتب تشیع می باشد (همان/۲۷۸) .

۳- اشعریان در ایران

گروهی از اشعریان ساکن عراق که از فرزندان " سائب بن مالک " به شمار می رفتند، در ربع پایانی قرن نخست هجری رو به ایران آوردند^(۳) (همان: ۲۴۲) و در مناطق مرکزی ایران سکنی گزیدند ، اینان قم را تأسیس نموده و این شهر را مرکز نشر و گسترش فرهنگ غنی اهل بیت (ع) قرار دادند (همان/۲۵۷-۲۵۳، ۲۶۳؛ الحموی، ۱۳۹۹ق: ۳۹۷/۴؛ ابو الفداء، ۱۸۴۰م: ۴۰۹/، از سران مهاجران اشعری ، عبدالله بن سعد می باشد (الحموی، ۱۳۹۹ق: ۳۹۷/۴؛ ابو الفداء، ۱۸۴۰م: ۴۰۹) فرزندش ، موسی شروع به اظهار تشیع در قم کرد و دیگران نیز به وی اقتدا کردند. (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۷۸؛ ابو الفداء، ۱۸۴۰م: ۴۱۰، السمعانی، ۱۹۶۲م: ۵۴۳/۴) شهرت تشیع قمیان به حدی رسید که قاضی نور الله انتساب به قم را از محکمترین دلایل درستی عقیده می شمرد و گوید: " قمی نباشد الا شیعی " (شوشتری، ۱۳۵۴ش: ۸۵، ۸۲/۱) بسیاری از آنان که کتاب های مسالک و ممالک را به رشته‌ی تحریر در آورده اند و یا نویسندگانی که در آثارشان از قم سخن گفته‌اند، به تشیع اهل قم اشاره دارند، "ابن حوقل" می نویسد: "تمامی اهل قم شیعه بوده و اغلب آنان عرب می باشند" (ص، ۳۷۰، و نیز ر.ک حدود العالم /۱۴۲؛ السمعانی، ۱۹۶۲م: ۵۴۲/۴؛ نظام الملک طوسی، ۱۳۴۰ش: ۲۶۳؛ الحموی، ۱۳۹۹ق: ۳۹۷/۴؛ القزوینی، ۱۹۶۰م: ۴۴۲/۴؛ البغدادی، ۱۹۵۴م: ۱۱۲۲/۴؛ ابن بطوطه، ۱۳۶۱ش: ۹۷).

گاه اهل قم امیران و حاکمان را به شهر راه نمی دادند و از این رو است که به "حسین بن حمدان" شیعی مذهب که به سال ۲۹۶ به قم می آید، خیر مقدم گفته و بدو گفتند: "ما به حکومت غیر مذهب خود راضی نبودیم الحال که تو آمدی، بالطوع والرغبه امثال حکم تو می کنیم" (شوشتری، ۱۳۵۴ش: ۸۵/۱). حکایت ها و داستان‌هایی که از اهل قم در کتاب های مختلف به ثبت رسیده، خود گواه بر تعصب قمیان در مذهب تشیع است (نک: الحموی، ۱۳۹۹ق: ۳۹۸/۴؛ القزوینی، ۱۹۶۰م: ۴۲۲؛ شوشتری، ۱۳۵۴ش: ۸۵/۱) .

تشیع تنها در قم دیده نمی شود، بلکه برخی از مناطق مرکزی ایران که به "جبال" نامبردار بود، از دیر باز کانون های حضور شیعه بوده است، کاشان، آوه، ری، فراهان، ماهاباد، تفرش و قزوین از آن جمله می باشد (نک: الحموی، ۱۳۹۹ق: ۱/۳، ۱۱۷/۵۱؛ القزوی، ۱۹۶۰م: ۴۳۲، ۴۵۲، ۴۰۲، ۳۷۶، ۲۸۳؛ مستوفی قزوینی ۱۳۳۱ق: ۶۹، ۶۸).

اشعریان، اگر چه بیشتر در قم می زیستند، اما دیگر مناطق "جبال" از حضور و نفوذ این خاندان خالی نبود. آنان کاشان، آوه، تفرش، فراهان و جز آن را در اختیار داشتند و گاه حوزه نفوذشان تا اصفهان و از دیگر سو تا قزوین و همدان امتداد داشت (نک: قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۷۹، ۲۶۳، ۲۴۰، ۲۸۰).

با در نظر داشتن تسلط اشعریان بر قم و حضور و نفوذ در برخی از نواحی جبال و همچنین وجود عالمان و راویان اشعری بعید است که تشیع این مناطق، تحت تاثیر آنان نبوده باشد. علامه سید محسن امین از آنانی است که اشعریان را از عوامل تشیع ایرانیان می داند (الامین، ۱۴۰۳ق: ۱/۳۲، ۲؛ و نیز نک: مغنیه، ۱۳۹۹ق: ۶۵).

۴- خدمات اشعریان به جهان تشیع

اشعریان به زودی در زمره ی اصحاب ائمه (ع) قرار گرفتند و بنا به نقل صاحب تاریخ قم، بیش از یکصد تن از آنان از راویان و اصحاب امامان معصوم (ع) می باشند و تنها ۱۲ تن از فرزندان عبد الله بن سعد از اصحاب امام صادق (ع) بودند (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۷۸).

سخنان امامان (ع) در باره ی این خاندان و برخی از افراد ایشان گویاتر از هر چیز بر درستی عقیده ی آنان است و کافی است تا به شرح حال عمران و عیسی فرزندان عبد الله بن سعد و زکریا بن آدم نگاهی داشته باشیم.

حضرت صادق (ع) عمران را نجیب خاندان نجباء معرفی کرده اند و برادرش عیسی را از اهل بیت شمرده، میان چشمان او را بوسیده و فرمودند چه در حال حیات و چه در حال مرگ از ما است / "هو منا حیا و هو منا میتا"، و امام رضا (ع) زکریا را مورد اعتماد در دین و دنیا دانسته اند و به گرفتن معالم و قوانین دین، از او دستور داده اند. (نک: الطوسی، ۱۳۴۸ش: ۳۳۳، ۳۳۲، ۵۹۴).

خدمت اساسی اشعریان به عالم تشیع تلاش در نقل و حفظ روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بوده است، اینان مشایخ گروهی از بزرگان حدیث شیعه

محسوب می‌شوند. این بدان معنی است که بسیاری از روایات شیعه از طریق اشعریان به دست ما رسیده است. برخی از روایان آنها عبارتند از: علی بن ابراهیم قمی، محمد بن حسن صفار، عبد الله بن جعفر حمیری، ابو علی الاسکافی، ابن قولویه، نجاشی و نویسندگان کتب اربعه شیعه.^(۴)

احمد بن محمد بن عیسی، سعد بن عبد الله، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن علی بن محبوب و موسی بن حسن بن عامر هر یک بین ۱۵ تا ۳۰ کتاب تألیف کرده‌اند (نک: الفهرست و رجال النجاشی ذیل نام‌های ایشان)، تنها، نام "احمد بن محمد بن عیسی"، بزرگ اشعریان در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری، در اسناد حدود ۲۳۰۰ روایت دیده می‌شود (الخوئی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۱/۲) و امام صادق (ع) فرموده است: جایگاه رجال در نزد ما را بر اساس روایت ایشان از ما بشناسید (الطوسی، ۱۳۴۸ش: ۳).

کتاب‌های اشعریان در اختیار نویسندگان کتب اربعه و دیگر مجموعه‌های حدیثی شیعه بوده است. کلینی م/۳۲۹ق در کافی از آنان نقل حدیث می‌کند و صدوق م/۳۸۱ق به هنگام نگارش من لا یحضره الفقیه از کتاب‌های ۱۲ تن از آنان استفاده کرده است (نک ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: (المشیخه) ۷، ۱۹، ۴۶، ۵۹، ۶۹، ۷۵، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۲۳)، در مقدمه‌ی کتاب می‌بینیم که او کتاب خویش را فراهم آمده از کتاب‌های مشهور و قابل اعتماد می‌داند. وی هشت کتاب را به عنوان نمونه بر می‌شمارد، آثار سه تن از اشعریان از آنها است، نوادر احمد بن محمد بن عیسی، نوادر الحکمة از محمد بن احمد بن یحیی و کتاب الرحمة تألیف سعد بن عبد الله (همان: ۳/۱) و شیخ طوسی م/۴۶۰ق در تهذیب و استبصار، دو کتاب دیگر از کتب اربعه، از کتاب‌های ۸ تن از اشعریان بهره گرفته است. (نک: الطوسی، ۱۳۶۴ش: ۱۰ (المشیخه) ۴، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۷۲، ۷۳، ۷۴؛ الطوسی، ۱۳۹۰ق: ۴ (المشیخه) ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷).

اشعریان نه تنها به روایت و نقل احادیث اشتغال داشته‌اند، بلکه با افرادی که ضوابط لازم در نقل روایت را رعایت نمی‌کردند، عملاً برخورد کرده و حتی به اخراج و تبعید آنها از قم نیز روی می‌آوردند، برخورد با غالیان از دیگر تلاش‌های

اشعریان در محافظت از مکتب تشیع بوده است، برخی از افرادی که مورد اعتراض اشعریان قرار گرفته اند، عبارتند از:

- محدث نامی احمد بن ابی عبد الله برقی م/ ۲۷۴ق، وی به نقل از ضعیفان و اعتماد بر روایات مرسل^(۵) متهم و از قم اخراج می گردد (نک: القهبائی، بی تا: ۱۳۸/۱؛ الحلی، ۱۴۰۲ق: ۱۴).

- یونس بن عبد الرحمن، وی نخست از سوی قمیان مورد عیب جویی و اعتراض قرار می گیرد، ولی پس از آن، احمد بن محمد بن عیسی از کرده‌ی خود اظهار پشیمانی و استغفار می کند (الطوسی، ۱۳۴۸ش: ۴۹۶).

- محمد بن علی صیرفی متهم به غلو بوده و از قم اخراج می شود (نک: النجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۲).

- محمد بن اورمه به غلو متهم شده، ولی پس از رفع اتهام از برخورد با او منصرف می شوند (همان: ۳۲۹).

- احمد بن حسین، ابو جعفر اهوازی نیز متهم به غلو بوده است. (همان: ۷۷؛ الطوسی، بی تا: ۲۲).

- امیة بن علی قیسی از جانب قمیان به ضعف در نقل روایت و ارتفاع در مذهب^(۶) متهم می شود (القهبائی، بی تا: ۲۳۷).

- حسین بن شادویه از جانب قمیان به غلو متهم بوده است (همان: ۱۸۰/۲).

- حسین بن یزید نوفلی در اواخر عمرش متهم به غلو بوده است (النجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸).

- محمد بن احمد جامورانی و محمد بن موسی، ابو جعفر الهمدانی، از سوی قمی ها به ارتفاع در مذهب متهم بوده اند (القهبائی، بی تا: ۱۲۷/۵، ۵۹/۶).

اقدامات اشعریان، از جمله اخراج برقی، با واکنش هایی همراه بوده است و چه بسا به افراط نیز کشیده می شدند، بنا به نظر خاقانی اگر چه انگیزه‌ی این اقدام ها تلاش برای حفظ روایات بوده است، ولی برخورد عجولانه‌ی همراه با تساهل در تضعیف راویان، اعتماد نکردن به تضعیف ها و حتی تعدیل های آنان را به دنبال داشته است (نک: الخاقانی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۳-۳۳۴) از دیگر واکنش ها به این نمونه فعالیت های اشعریان، روایت نکردن تمامی آل ماجیلویه (خاندانی از خویشان برقی) از احمد بن محمد بن عیسی بوده است (الزنجانی، ۱۳۹۴ق: ۱۶۴/۱).

۵- نتیجه

با ملاحظه‌ی آنچه در این نوشتار گذشت، در می‌یابیم که شاخه‌ی شیعی خاندان اشعری از نخستین کسانی بودند که تشیع را به ایران وارد کردند و بدون هیچ تردیدی نقشی به سزا در تشیع ایرانیان و ترویج معارف شیعه ایفا کرده‌اند، جمعی از آنان از راویان مهم امامان (ع) بوده‌اند و از مشایخ حدیث شیعه به شمار می‌روند، اینان نه تنها به روایت کردن و حفظ احادیث معصومان(ع) در مجموعه‌های حدیثی خویش اقدام می‌نمودند، بلکه عملاً با آنان که به مبانی نقل حدیث پایبند نبودند و یا از غالیان به شمار می‌رفتند، برخورد می‌کردند.

یادداشت‌ها

۱. نک: امین ۱۹۷۵م: ۲۷۷.
۲. جهت ملاحظه برخی از دیدگاه‌های مخالفان شیعه نک: ابو زهو، ۱۴۰۴ق: ۹۱.
۳. در باره‌ی علل مهاجرت اشعریان به ایران بنگرید به: فرشچیان، ۱۳۸۴ش: ۳۷-۳۹.
۴. نک: فرشچیان، ۱۳۸۴ش: ۶۳-۵۹.
۵. مرسل روایتی است که یک یا چند راوی از سلسله‌ی سند حذف شده باشند و به تعبیری از سندی پیوسته برخوردار نیست.
۶. مراد از ارتفاع، همان "غلو" است. (نک: الامین ۱۴۰۳ق: ۱۸۱/۴؛ ۳۷۸/۶).

کتابنامه

- ۱- ابن بابویه الصدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۰ق، من لا یحضره الفقیه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۲- ابن بطوطه، محمد بن محمد، ۱۳۶۱، سفرنامه‌ی ابن بطوطه، مترجم: م.ع. موحد، تهران، علمی فرهنگی.
- ۳- ابن حزم، علی بن سعید، بی تا، جمهره انساب العرب، مصر، دار المعارف.
- ۴- ابن حوقل، ابو القاسم، ۱۹۳۸م صورة الارض، لیدن، بریل.
- ۵- ابن سعد، محمد، ۱۹۸۵م، الطبقات الکبری، بیروت دار صادر.

- ۶- ابن ما کولاً، علی بن هبه الله، ۱۹۶۲م، الاکمال، حیدر آباد الدکن، مطبعه مجلس دائره المعارف الاسلامیه.
- ۷- ابو زهو، محمد، ۱۴۰۴ق، الحدیث والمحدثون، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۸- ابو الفداء، اسماعیل بن محمد، ۱۸۴۰م تقویم البلدان، پاریس، دار الطباعه السلطانیه.
- ۹- الامین، السید محسن، ۱۴۰۳ق، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف.
- ۱۰- امین، احمد، ۱۹۷۵م، فجر الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۱- البغدادی، عبدالؤمن، ۱۹۵۴م، مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البلاد، بیروت دار المعرفه.
- ۱۲- الحلّی، الحسن بن یوسف، ۱۴۰۲ق، رجال العلامة الحلّی، قم، مکتبه الرضا.
- ۱۳- الحموی، یاقوت، ۱۳۹۹ق، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۴- الخاقانی، علی ۱۴۰۴ق، رجال الخاقانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۵- الخوئی، السید ابو القاسم، ۱۴۰۹ق معجم رجال الحدیث، بیروت، دار الزهراء.
- ۱۶- دینوری، احمد بن داود، ۱۳۶۶ش، اخبار الطوال، مترجم: مهدوی دامغانی، تهران، نی.
- ۱۷- الزنجانی، الشیخ موسی، ۱۳۹۴ق، الجامع فی الرجال، قم، پیروز.
- ۱۸- زینی دحلان، احمد، بی تا، السیره النبویه و الاثار المحمدیه (چاپ شده با السیره الحلبيه)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- السیوطی، جلال الدین بی تا، لب اللباب فی تحریر الانساب، بغداد، مکتبه المثنی.
- ۲۰- السمعانی، عبد الکریم، ۱۹۶۲م، الانساب، حیدر آباد الدکن: دائره المعارف العثمانيه.
- ۲۱- شوشتری، نور الله، ۱۳۵۴ش، مجالس المومنین، تهران، اسلامیه.
- ۲۲- الطوسی، محمّد بن الحسن، ۱۳۴۸ش، اختیار معرفه الرجال، مشهد، دانشکده الهیات.

- ۲۳- الطوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۰ق، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۴- الطوسی، محمد بن الحسن، بی تا، الفهرست، النجف، المکتبه المرتضویه.
- ۲۵- الطوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۴ش، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۶- الطبری، محمد بن جریر، ۱۹۸۳م، تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۷- فرشچیان، رضا، ۱۳۸۴ش، پیشگامان تشیع، قم: زائر.
- ۲۸- القزوینی، زکریا بن محمد، ۱۹۶۰م، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت، دار صادر.
- ۲۹- قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱ش، تاریخ قم، مترجم: حسن بن علی قمی، تهران: توس.
- ۳۰- القهبائی، عنایه الله، بی تا، مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان.
- ۳۱- مستوفی قزوینی، حمد الله، ۱۳۳۱ق، کتاب نزهة القلوب، لیسن، مطبعه بریل.
- ۳۲- مغنیه، محمد جواد ۱۳۹۹ق، الشیعه فی المیزان، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- ۳۳- نظام الملک طوسی، حسن، ۱۳۴۰ش، سیر الملوک (سیاست نامه)، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۴- النجاشی، احمد بن علی ۱۴۰۷ق، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳۵- ناشناس، بی تا، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهرستوده، بی جا.